

دیپلماسی دفاعی: ابزار نوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

افشار سیفی نژاد^۱

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

^۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه عالی دفاع ملی seyfinezhad56@gmail.com

چکیده

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه، پس از انقلاب اسلامی ایران همواره با تهدیدهای عمده‌ای از سوی برخی از همسایگان و نیز ابرقدرت‌های جهانی مواجه بوده است. جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین چالش‌های گذشته ایران بوده است. با نگاهی به رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی چهار دهه گذشته در می‌یابیم که جمهوری اسلامی ایران همواره بهره‌گیری از ابزار مذاکره و نیز سایر ابزارهای مؤثر در عرصه سیاست خارجی از جمله اطلاعاتی، اقتصادی، نظامی و ... را جهت تأمین منافع ملی، کاهش تهدیدها و نیز حل مشکلات با کشورهای دیگر مورد توجه خود قرار داده است. امروزه با توجه به بحث‌های نوین و تلفیق قدرت سخت و نرم در مفهوم دیپلماسی دفاعی، می‌توان بیان داشت که این عرصه به‌عنوان ابزار نوینی در دست سیاست‌مداران و دولت‌مردان کشورها جهت استفاده در سیاست خارجی عمل می‌نماید. لذا سؤال اصلی نوشتار پیش‌رو عبارت است از این‌که جایگاه دیپلماسی دفاعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ این مقاله از نوع پژوهش‌های توصیفی و اکتشافی است و فرضیه ندارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی در ساحت نظری و عملی نه به‌عنوان رقیب و یا جایگزین دیپلماسی رسمی بلکه به‌عنوان یک دیپلماسی مضاف و یک ابزار نوین در خدمت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است.

• واژگان کلیدی

دیپلماسی دفاعی، قدرت نرم، ابزارهای سیاست خارجی.

امروزه دیپلماسی دفاعی به عنوان یک ابزار ایجاد صلح و ثبات و کاهش تنش‌های نظامی و امنیتی نقش مؤثری در ایجاد و برقراری روابط حسنه بین کشورها دارد. در این تحقیق پس از بررسی رابطه دیپلماسی دفاعی با سیاست خارجی و نیز برشمردن ابزارهای متداول سیاست خارجی جهت نیل به اهداف ملی، نقش دیپلماسی دفاعی به عنوان یک ابزار نوین در عرصه سیاست خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیپلماسی دفاعی به عنوان رکنی جدید در خدمت نیروهای مسلح در کنار وظایف جنگ، دفاع و بازدارندگی تعریف می‌شود. استفاده از قدرت نرم با پشتوانه قدرت سخت جهت دستیابی به اهداف سیاست خارجی یکی دیگر از تعاریف دیپلماسی دفاعی می‌باشد. امروزه اکثر کشورها جهت دفع تهدیدها خارجی از این ابزار در سیاست خارجی خود بهره می‌برند. رابطه نیروهای نظامی و دستگاه دیپلماسی در گذشته بسیار جدا و تفکیک شده بود. پس از جنگ جهانی دوم به مرور زمان کم‌کم شاهد ورود مقامات نظامی به عرصه دیپلماسی هستیم. این ورود و نقش‌آفرینی افسران در عرصه‌های دیپلماتیک امروزه بخشی از سیاست خارجی کشورها شده است. کنکاش در خصوص جایگاه و نوع کارکرد این عرصه مبحث جدیدی است که نیازمند بررسی دقیق است تا نوع تعامل این دو متغییر مشخص گردد. این تعامل در کشورهای مختلف ممکن است که حالات مختلفی از عدم همکاری تا همکاری مطلق بین نظامیان و دیپلمات‌ها را در بر بگیرد. مسئله‌ای که به نوعی در ادبیات سیاسی تحولات اخیر جمهوری اسلامی ایران از آن تحت عنوان تقسیم کار بین میدان و دیپلماسی یاد می‌شود. این تعامل و یا تقسیم کار نیازمند تحلیل و جایابی متغیر جدید وارد شده در عرصه دیپلماسی کشور می‌باشد. دغدغه اصلی نگارنده در درجه اول بررسی این رابطه به صورت نظری و عملی در دنیای کنونی و سپس جایگاه این ابزار نوین در دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. از آن جا که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور اسلامی و انقلابی و نیز دارای موقعیت استراتژیک، برداشت خاص خود را از مفهوم دیپلماسی دفاعی دارد، این برداشت منجر به تعریف اهداف و الزامات خاص خود شده است که مدل دیپلماسی دفاعی خاص جمهوری اسلامی برآمده از آن است. با توجه به تهدیدهای فزاینده منطقه‌ای در پیرامون جمهوری اسلامی ایران و نوع واکنش و رفتار جمهوری اسلامی ایران به این تهدیدها در صدد بررسی این مسئله هستیم که چگونه دیپلماسی دفاعی می‌تواند به عنوان یک ابزار نوین در عرصه سیاست خارجی نقش‌آفرینی نماید و سؤال اصلی تحقیق این است که جایگاه دیپلماسی دفاعی در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

چیست؟ در ادامه به سوال‌های فرعی تحقیق از قبیل: چیستی دیپلماسی دفاعی؟ ویژگی‌های دیپلماسی دفاعی ایران؟ و رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد. هدف اصلی در این تحقیق تبیین رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، توصیف ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی دفاعی، تبیین شاخص‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی در شرایط نوین است. این مقاله از نوع تحقیق‌های توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش تحقیق کیفی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها نیز بر مبنای استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و داده‌های اینترنتی است.

پیشینه تحقیق

با توجه به نوین بودن مباحث دیپلماسی دفاعی و نیز رابطه آن با عرصه سیاست خارجی منابع علمی محدودی در این زمینه موجود می‌باشد. با این وجود تلاش می‌گردد که منابع نزدیک به این موضوع مورد بررسی و واکاوی علمی قرار گیرد. مقاله "رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی (رهیافت نظری و سازوکار سیاست‌گذاری) (۱۳۹۷) به قلم قاسم علی‌دوستی شهرکی و لیلا رحمتی‌پور در مجله سیاست دفاعی است. همان‌گونه که از عنوان این مقاله مشخص است این تحقیق درصدد کشف رابطه نظری بین سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی و فرایند سیاست‌گذاری است. در این مقاله بیشتر رابطه نظری دو متغیر دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی مد نظر بوده است و اشاره‌ای به دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک ابزار نوین جهت تحقق اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشده است.

مقاله "دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران-اصول و اهداف" (۱۴۰۲) به قلم محمد احدی در فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک است. در این مقاله که به روش تحلیل محتوا بر روی اسناد بالادستی و نیز جامعه‌نخبگی دیپلماسی دفاعی انجام شده است. مفاهیم و مقوله‌های اصول و اهداف دیپلماسی دفاعی احصاء و حفظ استقلال و تمامیت ارضی به عنوان اصل محوری و عدالت‌خواهی به عنوان وجه متمایز کننده همراه با ۱۱ اصل دیگر عنوان شده است. این مقاله به لحاظ روشی و نیز محتوا که به اصول و اهداف دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

مقاله "ارزیابی راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت موجود" (۱۳۹۶) به قلم حسین مینائی و همکاران در فصلنامه راهبرد است. این مقاله به ارزیابی راهبرد دیپلماسی دفاعی

جمهوری اسلامی ایران به صورت کلی پرداخته و ضمن بیان نقاط ضعف و قوت آن در مجموع پس از یک بررسی از طریق روش آمیخته آن را مطلوب ارزیابی نمی‌نماید.

همچنین، مقاله‌ای تحت عنوان " دیپلماسی دفاعی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛ اهداف، راهبردها و الزامات" (۱۴۰۰) به قلم مسعود مطلبی در فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس در صدد پاسخ به این سؤال است که دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی در راستای ارتقای امنیتی و عمق‌بخشی باید دارای چه اهداف، راهبرد و الزاماتی باشد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که گسترش همکاری‌های دفاعی- نظامی با کشورها، توسعه تعاملات با نهادهای منطقه- ای و بین‌المللی گامی مؤثر در تولید و زایش بیش از پیش قدرت ملی، نیل به ثبات و امنیت پایدار در فرایند گام دوم انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نوین به‌شمار می‌آید.

در نهایت، مقاله " راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی" (۱۴۰۲) به قلم محمدرضا محمدی گودرزی، عبدالله مرادی، سعید فریدی و فریدون طالب‌پور در نشریه علمی سیاست دفاعی به دیپلماسی دفاعی- امنیتی به‌عنوان یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی می‌پردازد. همان‌گونه که در موارد فوق به‌صورت جداگانه ذکر گردید، عمده ادبیات موجود در این زمینه کلی بوده و به لحاظ شکلی و محتوایی دور از عنوان مقاله حاضر است و به دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک ابزار نوین و کارآمد در عرصه سیاست خارجی پرداخته‌اند. لذا این تحقیق از این جنبه، دارای نوآوری است.

چارچوب مفهومی

سیاست خارجی: در بسیاری از پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سیاست خارجی اصطلاح بدیهی است که در مجموع به عنوان روابط خارجی رسمی که توسط یک بازیگر مستقل، معمولاً یک دولت در روابط بین‌الملل صورت می‌گیرد، تعریف می‌شود. این نوع درک، پشتوانه اکثر تحلیل‌های سیاست خارجی است، صرف نظر از این‌که تمرکز بر مطالعه محتوای سیاست خارجی باشد یا خیر، بررسی فرآیند منتهی به چنین سیاستی از اهمیت برخوردار است. تمایز بین سیاست خارجی و داخلی نیز ناشی از فرآیندهای سیاسی خاصی است که در قرن هجدهم شکل گرفته است (Leira, 2019). سیاست خارجی یک کشور برای حفظ و ارتقای منافع ملی آن کشور در برقراری روابط دوجانبه و چندجانبه با سایر کشورها تدوین می‌شود. این انعکاس مستقیم ارزش‌های سنتی یک کشور و سیاست‌های کلی ملی، آرمان‌ها و ادراک او از خود است. بنابراین، سیاست خارجی، راهبردها، روش‌ها،

دستورالعمل‌ها، توافق‌هایی است که معمولاً دولت‌های ملی برای انجام اقدامات خود در عرصه بین‌المللی از آن‌ها استفاده می‌کنند. در دوران معاصر، هر کشوری با سایر ملل روابط دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، آموزشی، فرهنگی و سیاسی برقرار می‌کند و این امر ناگزیر از حفظ روابط خود با یکدیگر و همچنین با سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل است. بنابراین، روابط بین‌الملل تلاش می‌کند تا رفتارهایی را که در فراسوی مرزهای دولت‌ها رخ می‌دهد، توضیح دهد و نهادهایی دولتی، غیردولتی و بین‌دولتی بر این تعاملات نظارت می‌کنند (Ahmed, 2020).

دیپلماسی: کلمه دیپلماسی مشتق از کلمه یونانی «دیپلما» است که به معنی کاغذ تاشده و سند و تصدیق می‌باشد. در اصطلاح، علم هنر نمایندگی کشورها و فن مذاکره برای اداره روابط خارجی یک کشور است. به عبارت دیگر، دیپلماسی مدیریت روابط بین دول است که با به‌کارگیری روش‌های مذاکره و معامله، برای ایجاد تفاهم و دوستی، به‌منظور پیشبرد مقاصد و منافع ملی کشور بحث می‌کند (جعفری، ۱۳۹۸: ۶۷). در تعریفی دیگر دیپلماسی عبارت است از: هنر ایجاد ارتباط میان کشورها و یا شیوه‌های مسالمت‌آمیز، نظیر گفت‌وگو و مذاکره برای دستیابی به اهداف (تاج‌آبادی و مرادیان، ۱۳۹۳: ۵۲).

دیپلماسی دفاعی: دیپلماسی دفاعی عبارت است از انجام مذاکرات و دیگر روابط بین‌ارتش‌ها توسط دیپلمات‌های نظامی که هدف از آن، تاثیرگذاری بر محیطی است که نیروهای نظامی در آن فعالیت می‌کنند. در تعریف دیگر دیپلماسی دفاعی عبارت است از: فعالیت‌هایی مانند انجام گفت‌وگو-گوهای امنیتی، راهبردی و سطح بالا، تبادل‌های آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی مشترک و نظایر آن از سوی ارتش کشورها. دیپلماسی دفاعی از جمله مقوله‌هایی است که در خلال دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است و به مثابه بخشی از «همکاری‌های عمیق دفاعی» در دستور کار بسیاری از کشورها قرار دارد. همچنین دیپلماسی دفاعی را می‌توان به عنوان «همکاری دفاعی میان کشورها» در زمان صلح تعریف کرد. در تعریف دیگری دیپلماسی دفاعی به مثابه سازوکاری است که نقش مهمی در نیل به استراتژی کلان و هدف‌های سیاست دفاعی-امنیتی یا خارجی خاص کشورها ایفا می‌کند. در این معنا دیپلماسی دفاعی، کاربرد سیاست دفاعی، در عرصه دیپلماسی است به منظور تأمین اهداف عالیه یک نظام سیاسی در راهبرد کلان ملی؛ بنابراین دیپلماسی دفاعی در برگیرنده هر دو بعد قدرت نرم افزاری و سخت افزاری و عملیاتی کردن آن در محیط بین‌المللی به گونه‌ای است که منافع و اهداف نظامی سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت، تأمین شود (علیدوستی شهرکی و

رحمتی پور: ۱۳۹۷: ۱۰۹) گریگوری وینگر دیپلماسی دفاعی را استفاده مسالمت آمیز از نهادهای دفاعی یک کشور برای همکاری با نهادهای دولتی کشور دیگر به منظور دستیابی به یک نتیجه مطلوب معرفی کرد. چه به صورت پیش گیری یا حل مناقشه از طریق طرف ثالث باشد، این شامل اعمال قدرت نرم است که توسط تأسیسات دفاعی یک کشور بر دولت کشور دیگر اعمال می شود (Winger, 2014).

قدرت نرم:^۱ قدرت، توانایی تأثیر گذاری بر دیگران برای به دست آوردن نتایجی است که می-خواهید. یک نفر می تواند به سه طریق بر رفتار آن ها تأثیر گذارد: تهدید به اجبار ("چماق")، مشوق ها یا پرداخت ها ("هویج") و جذابیتی که باعث می شود دیگران همان چیزی را که شما می خواهید، بخواهند. یک کشور ممکن است به نتایجی که می خواهد در سیاست جهانی دست یابد؛ زیرا کشورهای دیگر می خواهند از آن پیروی کنند، ارزش هایش را تحسین کنند، از نمونه اش الگوبرداری کنند، آرزوی رسیدن به سطح آن را داشته باشند. رفاه و گشایش از نظر تعیین دستور کار نیز مهم است. جذب دیگران در سیاست جهانی و نه تنها برای مجبور کردن آن ها به تغییر از طریق تهدید یا استفاده از سلاح های نظامی یا اقتصادی. این قدرت نرم - واداشتن دیگران به نتایجی را که می خواهید- به جای وادار کردن مردم، آن ها را با هم انتخاب می کند. قدرت نرم بر توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است. این در حیطه مالکیت کشورها و فقط یک کشور نیست. مثلاً شرکت ها روی نام های تجاری خود سرمایه گذاری زیادی می کنند و فعالان غیردولتی اغلب به آن ها حمله می کنند، برندها را تحت فشار قرار می دهند تا رویه خود را تغییر دهند. در سیاست بین الملل، قدرت نرم یک کشور اساساً بر سه منبع استوار است: فرهنگ آن (در جاهایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش های سیاسی آن (زمانی که در خانه و در خارج از کشور مطابق با آنها باشد) و سیاست های خارجی آن (زمانی که قدرت آنها مشروع و اخلاقی تلقی شوند) (Nye, 2014) توجه به این نکته حائز اهمیت است که «قدرت نرم» همچنان نشان دهنده رفتار قهرآمیز است؛ زیرا قدرت، هرچند از نوع «نرم»، ابزاری برای تحمیل و اجرای اراده بازیگران در روابط بین الملل است (Pajtinka 2016).

چیستی دیپلماسی دفاعی

ریشه های دیپلماسی دفاعی به دیپلماسی نظامی کلاسیک زمان های قدیم و احیا شده در دوران ناپلئون بر می گردد. تا پایان جنگ سرد در روند تکامل آن تغییر عمده ای صورت نگرفت و همچنان بر روابط نظامی متمرکز بود و بنابراین به حوزه نظامی کلاسیک محدود شد. در دهه ۱۹۹۰ با طلوع عصر

¹. Soft Power

جدید در امور بین‌الملل، افزایش مداوم وابستگی متقابل پیچیده، افزایش روزافزون بازیگران جدید در صحنه جهانی، همچنین ظهور دیپلماسی عمومی، عرصه برای مفهوم جدیدی با عنوان دیپلماسی دفاعی فراهم شد. دیپلماسی دفاعی، اجرای اهداف سیاست خارجی را به اهداف بخش دفاعی مرتبط می‌کند و اگر به درستی مدیریت شود، با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون قدرت نرم و سخت در هر موضوعی، می‌تواند ابزاری ارزشمند برای دولت‌سازی باشد. عملیات حفظ صلح سازمان ملل که در دوران پس از جنگ سرد افزایش چشم‌گیری داشته است، یکی از نمونه‌های ارزشمند در این خصوص است (Cheyre, 2013). مطمئناً امروزه دیپلماسی از مفهوم استراتژیک - سیاسی نسبتاً محدودی که زمانی بر آن حمل می‌شد، فراتر می‌رود. از طرف دیگر، مناسب نیست که با قائل شدن معنایی محدود یا قالبی برای دیپلماسی آن را تنها متعلق به وزارت خارجه و کارمندان آن بدانیم. چه بسا طیف وسیعی از کارمندان دیگر وزارت‌خانه‌ها - نظیر وزارت دفاع - در معنای فنی کلمه به اجرای دیپلماسی بپردازند (آسمانی کناری، ۱۳۹۸: ۲۳۲). دیپلماسی دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای است که امروزه به اقتضای تخصصی شدن و مدیریت کارشناسانه هر یک از این ابعاد و ارتباط اصلی آن‌ها با کار ویژه‌ها و مأموریت‌های ذاتی نهادهای مختلف دولتی، با مفاهیم متعدد جدیدی مانند دیپلماسی سیاسی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی و همچنین دیپلماسی دفاعی تبیین شده‌اند. با تمرکز بر این جنبه تخصصی پیچیدگی امور دفاعی، حضور مدیریت مؤثر فعال اندیشمندان مدیران نیروهای مسلح در حوزه روابط خارجی دفاعی ضروری شده است. طراحی ایده‌ها، پیگیری و مدون‌سازی آن‌ها در اسناد دو و چند جانبه بین‌المللی، فکر و درایت نظامی می‌طلبد و ارتباط عمیق این پدیدارها با منافع حیاتی ملی، راهبری آن‌ها در پرتو تفکر دفاعی را ناگزیر می‌سازد. از این‌رو، در اغلب کشورها که دارای راهبرد دیپلماسی دفاعی هستند، دیپلمات‌های نظامی در کنار دیپلمات‌های سیاسی به مدیریت روابط خارجی وارد شده‌اند. با مطالعه این الگوها و تحلیل مدیریت ملی دیپلماسی دفاعی، می‌توان به روند تدوین اسناد راهبردی در این زمینه کمک نمود. اما در این‌جا دو مورد در خصوص اهمیت و ضرورت طرح دیپلماسی دفاعی مطرح می‌گردد: رابطه دیپلماسی دفاعی در مقابل دیپلماسی - نظامی و گسترش فرایند چندجانبه‌گرایی.

دیپلماسی نظامی در برابر غیرنظامی و ناظر بر بهره‌گیری از قدرت نظامی به منظور تأمین نیازها و هدف‌های ملی در مواردی است که این نیازها و هدف‌ها از راه‌های دیگر قابل تأمین نباشد. نظر به این که محور این دیپلماسی، به‌کارگیری زور است، زمان به جریان افتادن آن نیز بیشتر در مواقع جنگی خواهد بود. تفاوت دیپلماسی نظامی با دفاعی در این است که دیپلماسی دفاعی به‌کارگیری آگاهانه

منابع مختلف از طیف دفاعی به منظور دستیابی به نتایج مثبت در توسعه روابط دو و چندجانبه است، در حالی که دیپلماسی نظامی، تنها جزیی از این طیف بوده و به نقش وابستگان نظامی و اقدام‌های آن‌ها محدود است. همچنین دیپلماسی دفاعی، ناظر بر عملیات نظامی نیست، بلکه بر پیش‌گیری یا توقف عملیات نظامی متمرکز است. به عکس، محور دیپلماسی نظامی را عملیات نظامی تشکیل می‌دهد. تفاوت سوم در این است که دیپلماسی نظامی، توسط وابستگان نظامی (با مأموریت‌های سخت افزاری) به اجرا در می‌آید، ولی دیپلماسی دفاعی را وابستگان دفاعی دارای تفکر و اندیشه‌های نرم افزاری-سخت افزاری، مدیریت و اجرا می‌نمایند. بنابراین، دیپلماسی دفاعی کاربرد صلح‌آمیز منابع مختلف دفاعی با هدف ایجاد یا گسترش تفاهم و تعامل با نیروهای مسلح، تصمیم‌گیران راهبردی سایر کشورها با انگیزه محوری پیش‌گیری، تقلیل یا توقف منازعه است. یکی دیگر از موارد با اهمیت در خصوص ضرورت طرح دیپلماسی دفاعی آن است که دیپلماسی دفاعی به منزله گسترش فرآیند چندجانبه‌گرایی راهبردی نیز محسوب می‌گردد. دیپلماسی دفاعی در هر کشوری بر اساس سنت‌های سیاسی و راهبردی آن کشور شکل می‌گیرد. در دوران پیش از جنگ جهانی دوم حوزه‌های دیپلماتیک و راهبردی^۱ از یکدیگر جدا بوده و هر مجموعه، کارویژه خاصی را عهده‌دار بود. این وضعیت در دوران جدید تغییر یافته است. از یک سو نظامیان در حوزه‌های سیاسی ایفای نقش می‌کنند و از سوی دیگر، مجموعه‌های سیاسی، پژوهشگران و دانشگاهیان در طرح‌ریزی دفاعی و راهبردی فعال شده‌اند. همکاری حوزه‌های یاد شده، نشانه‌هایی از تداخل سازمان یافته را به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، دیپلماسی دفاعی را می‌توان انعکاس «پیوند اندام‌واره» حوزه‌های دفاعی و دیپلماتیک برای امنیت‌سازی دانست (دهنوی و خالقی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۸۲۹-۲۸۳۰). «دیپلماسی دفاعی با اهمیت دادن به عنصر پیش‌گیری، شرایطی را فراهم می‌کند که پیش از هر گونه برخوردی، واحد سیاسی بتواند منافع و هدف‌های خود را کسب نماید و به بهترین وجه، قدرت را در حوزه‌های گوناگون تقسیم کند. دیپلماسی دفاعی به مثابه سازوکاری است که نقش مهمی را در نیل به هدف‌های سیاست‌های امنیتی یا خارجی خاص کشورها ایفا می‌کند. مطالعات انجام گرفته در ارتباط با موضوعات راهبردی نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی دارای نقش میانی در فرایندهای کنش برای تولید قدرت و امنیت است. کارگزاران دیپلماسی دفاعی از یک سو در حوزه دفاعی و از سوی دیگر در حوزه دیپلماتیک، ایفای نقش می‌کنند (مینایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۰). دیپلماسی دفاعی یکی از راه‌های کسب منافع و امنیت ملی محسوب می‌شود. این مفهوم به معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه دفاع به منظور بالا بردن سطح

۱. منظور راهبردهای نظامی است.

تعاملات همکاری جویانه کشورها و جایگزین کردن ثبات به جای تنش است. بنابراین دیپلماسی دفاعی یک رویکرد ثبات محور است که علاوه بر پیشبرد سیاست های کلان ملی، می تواند زمینه مناسبی برای مدیریت بحران و محیط امنیتی جدید به شمار رود (مینایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۱۵).

رابطه سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی

رویکرد سنتی، بر پایه این تفکر استوار بود که جنگ ادامه سیاست با ابزار دیگر است. از این رو، دفاع محدود به جنگ بود تمامیت ارضی فقط در برابر چالش جنگ، مورد توجه قرار می گرفت. همچنین ضمن آن که دفاع دارای هویت مستقل نبود، بلکه ابزار سیاست بود، دفاع در خط مقدم دیپلماسی هم قرار نداشت، بلکه آخرین خط دیپلماسی بود. در نتیجه، «نظامیان تنها باید زمانی وارد عرصه دیپلماسی می شدند که همه روش های غیر نظامی به شکست انجامیده باشد» در این رهیافت، دیپلماسی محور و مرکز ثقل است و دفاع تنها ماهیت ابزاری دارد. از این رو، چیستی و چرایی و همچنین چگونگی ایفای نقش دفاع و زمان بندی آن در خدمت رسانی به تحقق هدف های ملی را سیاست و دیپلماسی تعیین می کند. به تعبیری دیگر، نهاد سیاست دفاعی تنها در پوشش و متأثر از آموزه ها و تدابیر سیاست خارجی معنا می شود. البته از گذشته تا پیش از دهه اخیر، مراتب بر همین روال بوده و نقش نیروهای نظامی در دستگاه سیاست خارجی نیز به طور فرعی و حاشیه ای، در حد وابسته نظامیان آن هم تحت مدیریت دیپلمات ها بوده است.

تحولات محیط امنیتی بین المللی به ویژه خاتمه جنگ سرد و کاهش نظامی گری در عرصه سیاست بین الملل؛ زمینه همکاری های مختلف میان کشورها از جمله در حوزه نظامی و دفاعی را فراهم کرد و در نتیجه، کشورها ماموریت های جدیدی را برای نیروهای مسلح خود تعریف کردند. بر این مبنا، کارکرد نیروهای مسلح محدود به دوران جنگ نشده، بلکه نقش آن ها در زمان صلح نیز در کمک به تأمین منافع و هدف های ملی کشور مورد شناسایی قرار گرفت (ساعد، ۱۳۸۹: ۷۰-۶۹). دیپلماسی دفاعی مفهومی است در قالب قدرت؛ این مفهوم سعی می کند با به کارگیری کلیه ابزارهای قدرت سیاسی در جهت تحقق اهداف عالی یک کشور گام بردارد، بر این اساس تردیدی وجود ندارد که میان این مفهوم و دیگر حوزه های قدرت نظیر سیاست خارجی رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ این رابطه گاه به حدی می رسد که دیپلماسی دفاعی جایگزین سیاست خارجی می شود و یا خلأ آن را پر می کند (علیدوستی شهرکی و رحمتی پور: ۱۳۹۷: ۱۱۶). دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی به عنوان مجموعه ای از واکنش ها، تصمیمات و اقدام های انجام گرفته نسبت به جریان مستمری از ارتباطات و

وسایل فراملی هستند، این اقدامات را می‌توان شامل مجموعه‌ای از تصمیماتی که اتخاذ شده و یا به تعویق افتاده است، اقداماتی که صورت گرفته و یا لغو شده‌اند، برنامه‌هایی که آغاز شده و تغییر شکل داده‌اند، طرح‌هایی که ارائه شده و یا کنار گذاشته شده‌اند؛ دانست، طی ده‌ها سال، این امر وظیفه سیاست خارجی بود که در روابط با یک دولت و یا دیگر بازیگران صحنه جهانی، پیشگام تعامل شود؛ در این حالت، تمامی تلاش سیاست‌گذاران حفاظت از منافع و اهداف در قالب این ابزار کلان بود؛ اما در شرایط جدید با پیچیدگی‌های محیط بین‌الملل و تخصصی شدن موضوعات نیازمند مشارکت تمامی حوزه‌های قدرت در تعاملات بیرونی است. در این روند، حضور دیپلماسی دفاعی در کنار سیاست خارجی سه کارکرد اساسی، افزایش قدرت اقدام، سازگاری و انطباق و کارایی و کارسازی در حوزه بیرونی دارد (علیدوستی شهرکی و رحمتی پور: ۱۳۹۷: ۱۲۳). شایان ذکر است که سیاست خارجی اساساً مسئله‌ای فراجزبی و فراجناحی محسوب می‌شود، چرا که مستقیماً با منافع و امنیت ملی کشور سروکار دارد و برخلاف سیاست داخلی، چندصدایی در عرصه سیاست خارجی به خصوص در حوزه عمل، اگر توسط یک ستاد مرکزی و حاکمیتی مدیریت و هدایت نشود، سمی مهلک و زهری کشنده خواهد بود (صبوری، ۱۴۰۲: ۲۱۱).

اهداف و کارویژه‌های دیپلماسی دفاعی

دیپلماسی دفاعی دربرگیرنده هر دو بعد قدرت نرم افزاری و عملیاتی کردن آن در محیطی بین-المللی است؛ به‌گونه‌ای که منافع و اهداف نظام سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت، تأمین شود. رابطه بین دیپلماسی دفاعی و سایر موضوعات راهبردی در شرایطی از اهمیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار می‌شود که امکان تعامل متقابل بین دو حوزه یاد شده وجود داشته باشد (مینایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۶). توافق گسترده‌ای در مورد اهداف کلی دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری برای حمایت از اجرای منافع ملی و سیاست خارجی و امنیتی آن وجود دارد. به‌طور کلی پذیرفته شده است که دیپلماسی دفاعی بر کاهش خصومت و ایجاد اعتماد بین دولت‌ها متمرکز است (از این نظر، در وظایف کلی دیپلماسی "لنگر"^۱ است)؛ در چارچوب مشارکت منطقه‌ای و جهانی دولت‌ها، با کمک «استفاده مسالمت‌آمیز از پرسنل نظامی برای جلوگیری از درگیری»، ایجاد همکاری پایدار و طولانی مدت و ارتقای شفافیت در حوزه دفاعی است؛ می‌تواند در خدمت اجرای اهداف فراملی مشترک باشد؛ برای تأثیرگذاری بر تغییر موقعیت شرکا طراحی شده است؛ باید از اجرای مقررات

^۱. Anchored

قانونی در مورد مسائل امنیتی گسترده حمایت کند؛ گفت‌وگو با شرکا را حفظ می‌کند که ممکن است هدف اقدامات دولت و همچنین ابزاری باشد که منجر به اجرای منافع خاص آن می‌شود. در نتیجه، مستقیماً به تقویت اعتماد و تفاهم در روابط بین‌الملل کمک می‌کند (Drab, 2018: 64-66).

کارویژه اصلی دیپلماسی دفاعی را می‌توان در تحقق و پیاده‌کردن راهبرد بازدارندگی و کاربرد آن در تعامل واحد سیاسی با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل دانست. بنابراین راهبرد بازدارندگی و محدوده آن به‌عنوان اصلی‌ترین ملاحظه در تعیین حدود و عملکرد دیپلماسی دفاعی و همچنین راهبردهای نظامی و دفاعی مورد توجه قرار می‌گیرد. توماس شلینگ، اعتقاد دارد بازدارندگی یعنی پیش‌بینی و جلوگیری از خشونت. بنابراین، هدف از بازدارندگی به کارگیری ابزاری است که پیش از ورود به یک جنگ گرم، تلاش می‌کند تا با برشمردن تهدیدهای ناشی از آن، به تعدیل مسئله بپردازد. در این مسیر، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان بخشی از این راهبرد تلاش می‌کند تا در روند تعاملی با یک واحد سیاسی، به طرف مقابل تفهیم کند؛ چه وسایل و ابزاری را می‌توان به‌کار گرفت که ضمن برطرف نمودن نقاط افتراق انگیز، حرکاتی انجام شود که دو کشور در یک فرایند همکاری - تعامل قرار گیرند و بتوانند هدف‌های مورد نظر را از راه‌های مسالمت‌آمیز کسب کنند (انعامی علمداری، ۱۳۸۹: ۱۳۵). همچنین اگر در یک تعریف، دیپلماسی دفاعی را بخشی از سیاست‌های دولت بدانیم که هدف آن، ایجاد شرایط سیاسی، ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه می‌باشد، می‌توان چند نتیجه کلی گرفت:

(۱) دیپلماسی دفاعی در درون خود یک عنصر معنوی و یک عنصر مادی را داراست. عنصر معنوی دیپلماسی دفاعی که ارزش آن را تشکیل می‌دهد، تلاش برای رسیدن به ارزش دیگر یعنی جلوگیری از جنگ و پیشبرد بازدارندگی است. در حقیقت، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ارزشی برای رسیدن به دیگر ارزش‌هاست. عنصر درونی دیپلماسی دفاعی، ابزارها و روش‌های آن است. دیپلماسی دفاعی تلاش می‌کند آمیختگی مشخص میان دیپلماسی در مفهوم عام آن و نظریه دفاع ایجاد کند. در این راه، طیف وسیعی از ابزارها و روش‌ها به‌کار گرفته می‌شود و دیگر تنها بر روش‌های متعارف نظامی تأکید نمی‌گردد.

(۲) هدف دیپلماسی دفاعی، تأمین امنیت است. امروزه دیگر تأمین امنیت ملی فقط از راه نظامی و یا سخت‌افزاری ممکن نمی‌باشد. بنابراین، در سیاست‌های امنیت ملی، می‌توان وسایل حفظ ارزش‌های ملی را که در معرض خطر خارجی و داخلی قرار دارند، با استفاده از قدرت ملی فراهم آورد.

(۳) دیپلماسی دفاعی دربرگیرنده الگوی تکثرگرایی است و آن را بهترین توجیه برای نظام طراحی راهبردی می‌داند. به این معنا که در طراحی راهبردی، منافع متعددی مطرح است که همه اجزای

نظام، وظیفه تأمین آن منافع و هدف را دارند. این منافع در هر دو حوزه عمومی و دولتی مطرح است. دیپلماسی دفاعی با در نظر گرفتن تمامی این منافع، در قالب یک الگوی تکثرگرایانه، به طراحی یک نظام منسجم می‌پردازد که در آن تمامی منافع به‌عنوان هدف در نظر گرفته می‌شود و تنها بخش خاصی از نظام مدنظر نمی‌باشد.

(۴) دیپلماسی دفاعی تا اندازه زیادی به تجزیه و تحلیل راهبردی بستگی دارد. در این حالت، دیپلماسی دفاعی، ترکیبی از تعامل‌های محیطی، توانایی راهبردی و هدف‌های راهبردی است. اگر در یک تعریف مختصر و نه کامل، راهبرد را شامل رابطه‌ها، هدف و ابزار بدانیم، عناصر متعددی در این روند دخالت دارند که جنبه نظام‌مند پیدا می‌کنند. دیپلماسی دفاعی، بخشی از این نظام است. تجزیه و تحلیل راهبردی، تقویت‌کننده جنبه نظام‌مند است و می‌تواند ارتباط منطقی و مناسبی میان داده‌ها و نهادها ایجاد کند و در نهایت، بازخورد مثبت را باعث گردد. در این حوزه که مجموعه‌ای از متغیرهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دخیل هستند، دیپلماسی دفاعی، بخشی از متغیرهای نرم‌افزاری را به‌کار می‌گیرد و ارتباط نزدیکی با برخی دیگر از جنبه‌های نظام، مانند دیپلماسی و روابط خارجی در قالب سیاست خارجی دارد (انعامی علمداری، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۳۵).

(۵) یکی از شاخصه‌ها و کارکردهای سنجش قدرت نرم دفاعی کشورها را می‌توان میزان برخورداری از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دانست. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تری از انواع دیگر سرمایه (سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی، سرمایه انسانی) به‌خصوص در زمینه افزایش اعتماد و وفاداری ملی به دولت، ارتقای همه‌جانبه جهانی، تقویت مشروعیت سیاسی، مشارکت، ثبات، پاسخ-گویی، روحیه ملی دولت‌ها و تحول در کارکردهای نظام سیاسی ایفا می‌کند.

(۶) دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان اقدامی در راستای به حداکثر رساندن منافع ملی و گسترش ثبات منطقه‌ای دانست. به عبارتی، اگر زمینه‌های وقوع منازعه‌ای شکل گرفته باشد، دیپلماسی دفاعی می‌تواند با میانجی‌گری، مانع از وقوع آن منازعه شود.

(۷) دیپلماسی دفاعی با هدف و آرمان یک کشور سروکار دارد؛ هدف و آرمانی که در راهبرد کلان ملی نهفته است. بنابراین، دیپلماسی دفاعی خصوصیت هم‌تکمیلی دارد. این مفهوم می‌تواند تمامی گونه‌های رفتاری از انعطاف‌پذیری تا برخورد را در درون خود داشته باشد، بدون آن‌که آن را به حوزه سخت‌افزاری سوق دهد (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۳۲-۱۳۱).

دیپلماسی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران

با وجودی که دیپلماسی دفاعی یکی از ابزارهای مرسوم در سیاست خارجی و بین‌المللی است، اما کشورهای مختلف، انتظارات متفاوتی از آن دارند. قدرت‌های بزرگ برای توسعه نفوذ و تشکیل و هدایت اتحادها و ائتلاف‌ها و در نهایت اعمال فشار بر دولت‌های معارض، از این ابزار در سطح گسترده-ای بهره می‌گیرند و کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در اهدافی کاملاً متفاوت آن را به‌کار می‌گیرند. در عمل تمایزاتی را نیز در کشورهای واقع در هر یک از این دسته بندی‌ها با سایر کشورها می‌توان یافت (احدی، ۱۴۰۲: ۳۰). شناسایی دیپلماسی دفاعی، به‌عنوان نهادی تأثیرگذار بر حوزه روابط خارجی و همچنین بر مقوله‌های مرتبط با تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و دخیل نمودن آن در سیاست‌های امنیتی، در ایران یک دهه سابقه دارد. این درک اهمیت و توجه کاربردی، از یک‌سو حاصل نرم‌افزاری شدن مؤلفه‌های سیاست دفاعی و تأثیرگذاری ابتکار عمل‌های مقام‌های عالی نظامی است که مسیر تحول این سیاست‌ها را از سخت‌افزاری محض به سخت-نرم‌افزاری هموار نموده‌اند و از سوی دیگر، نتیجه رخداد‌های بین‌المللی و تغییرات حاصله از آن است که از جمله مهم‌ترین این تغییرات ایجاد تحول و دگرگونی در مؤلفه‌های سیاست خارجی و به تبع تغییر در دیپلماسی است. با این حال، هنوز این گشایش‌های ادراکی و شکل‌گیری تفکر دفاعی نرم، به استقرار سازمان و ساختاری روشن و هم‌افزار در مدیریت ملی این عرصه منجر نشده است (دهنوی و خالقی نژاد، ۳۸۳۳). با توجه به موقعیت نظام جمهوری اسلامی ایران و پیشرفت‌های نظامی و تسلیحاتی کشورهای جهان و به-خصوص منطقه جنوب غرب آسیا و نیز آمادگی بیش از پیش برای مقابله با تهدیدها غیرقابل پیش-بینی، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کارگزاران اصلی جنگ‌ها که وظیفه دفاع از منابع، منافع و ارزش‌های حیاتی ملت و کشور را عهده دار هستند، بایستی خود را از هر لحاظ آماده نمایند. دفاع کارآمد و اثربخش این نیروها، مستلزم اتخاذ و اجرای راهبردهای بهینه‌ای است که با لحاظ نمودن اصول اساسی، اندیشه‌ها، اعتقادات، تعالی و نظریه‌های هدایت‌گر مورد قبول و همچنین مورد حمایت ملی که تحت عنوان رهنامه دفاعی در طرح‌ریزی‌ها و کاربرد قدرت نظامی در سطوح ملی و اجرایی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند، تدوین کرده باشند؛ و این مهم باید قبل از بروز هر تهدید جدی اتفاق بیفتد. لذا وجود رهنامه دفاعی، هدایت‌گر و راهنمای نیروهای مسلح در چگونگی تقابل با دشمنان و در کل چگونگی جنگیدن در صحنه جنگ می‌باشد، عدم وجود رهنامه دفاعی به‌روز و کارآمد موجب اتلاف منابع، عدم حصول به اهداف تعیین شده و به طور کلی موجب عدم حصول موفقیت در صحنه جنگ خواهد گردید (ولی وند زمانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۳-۲۰۲).

رهنامه دفاعی، تابعی از شرایط و وضعیت مؤلفه‌های عمده دخیل در امنیت ملی است و از این رو، متناسب با نوع تهدیدها و سطح اقتدار ملی، نوع رهنامه نیز تغییرپذیر می‌گردند. در مورد کشورمان، وضعیت تهدیدهای علیه تمامیت ارضی در شرایط وقوع جنگ تحمیلی - همزمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی - و پس از خاتمه جنگ بر پایه سه الگوی حفظ محور، بسط محور و رشد محور در سیاست کلان امنیت ملی کشور به دو گونه کلی، «دفاع هم‌تراز (همگون)» و «ناهم‌تراز (ناهمگون)» تقسیم بندی شده است. هسته مرکزی این رهنامه، دفع تجاوز بود؛ تجاوزی که در آستانه شکل‌گیری نظام سیاسی جدید و با وجود مشکلات و نابسامانی در ساختار و هماهنگی نیروهای مسلح ملی و نقصان در آمادگی در دفاع از کشور در برابر هجوم خارجی، توسط رژیم بعث به انجام رسیده بود. دوران حیات این رهنامه، دوره هشت سال دفاع مقدس بود؛ دوره‌ای که با متوقف ساختن تجاوز و همچنین تنبیه متجاوز خاتمه یافت. در این دوره، مناسبات دیپلماتیک کشور در حوزه غیر نظامی و همچنین نظامی بود. تلاش دیپلماسی نظامی بر تأمین تسلیحات و پشتیبانی رزمندگان در طول جنگ متمرکز شد و نوع سیاست‌گذاری‌های جهانی حاکم بر شرایط آن زمان و اداری که کشورمان از قرار گرفتن مجموعه‌ای از کشورها در برابر کشورمان و حمایت از رژیم بعث داشت، زمینه‌ای برای تأمل در طرح ریزی برنامه‌هایی متکی به اعتمادسازی و اعتماد کردن به بازیگران بین‌المللی باقی نگذاشته بود، ضمن آن‌که در این مقطع زمانی، تلاش اغلب کشورها هم معطوف به دیپلماسی نظامی (و نه دفاعی) بود. (دهنوی و خالقی نژاد، ۳۸۳۴) دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارای اصول و مبانی مشخصی است که تعیین‌کننده چارچوب‌ها می‌باشد. هر یک از این اصول، بخشی از اجزا و محورهای قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. آموزه‌های دینی و سیره گفتاری و رفتاری ائمه معصومین (ع) در کنار قانون اساسی کشور، اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی (ره) و اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به‌عنوان خاستگاه اصلی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. بر این اساس، امکان شناسایی اصول و مبانی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آید (پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۷).

ابزارهای متداول سیاست خارجی جهت پیشبرد اهداف ملی

حکومت‌ها جهت نیل به اهداف ملی با ترسیم سیاست خارجی فعال و پویا و استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... همواره در تلاش هستند. در این میان، برخی از این ابزارها هم‌چون ابزار نظامی صرف و یا اقتصادی از دوران قدیم تا کنون برای تاثیر بر رفتار سایر دولت‌ها همواره مرسوم بوده

و هست و برخی دیگر هم چون مسائل مرتبط با کنترل تسلیحات و قدرت نرم محصول تحولات دهه-های اخیر می باشند. در ادامه، در یک بررسی اجمالی ابزارهای متداول جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی به صورت مختصر مورد ارزیابی قرار می گیرد.

چانه زنی دیپلماتیک (مذاکره)! حکومت‌ها در تلاش برای دستیابی به هدف‌ها، تحقق ارزش‌ها، یا دفاع از منافع خود باید با اشخاصی ارتباط برقرار کنند که مایل‌اند اعمال و رفتار آنان را متوقف کنند، تغییر دهند یا سبب ادامه آن گردند. امروزه امکانات و وسایل ارتباطی زیادی وجود دارد که می‌تواند برای انتقال توقعات و خواست‌ها یا تهدیدها به دیگران به کار رود. مقام‌های رسمی حکومت‌ها در کنفرانس‌های مطبوعاتی، گردهمایی‌های سیاسی یا ضیافت‌ها، اظهاراتی به عمل می‌آورند که تنها متوجه مخاطبان داخلی نیست، بلکه حکومت‌ها و ملت‌های خارجی را نیز مورد خطاب قرار می‌دهند. با این وجود، اکثر تلاش‌های رسمی برای اعمال نفوذ در خارج، از مجاری رسمی دیپلماتیک یا از راه ارتباط مستقیم میان وزرای امور خارجه و سران دولت‌ها صورت می‌گیرد (هالستی، ۱۳۸۰: ۲۷۹). مذاکره، به‌ویژه مذاکره یکپارچه با اجازه دادن به هر دو طرف برای برقراری ارتباط مستقیم و ایجاد فرصت‌های تجاری خوب، نقش اساسی در مدیریت تعارض ایفا می‌کند (Inayatullah et al., 2022). البته مهارت‌های ارتباط مؤثر در مذاکرات بسیار مهم است؛ زیرا آن‌ها را قادر می‌سازد تا طرفین را به مصالحه برسانند و به توافقات دوجانبه سودمند برسند (Adinda et al., 2022).

امور اقتصادی: کمک‌های خارجی^۱ در تحلیل‌های بین‌المللی منظور از کمک‌های خارجی ارائه داوطلبانه منابع مالی، نظامی و ... به کشورها، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. بدین سان در تعریفی مختصر، انتقال داوطلبانه منابع عمومی از یک دولت به دولت مستقل دیگر، سازمان غیردولتی یا سازمان بین‌المللی برای دستیابی به اهداف خاص کشور کمک کننده را می‌توان تحت عنوان کمک خارجی ارزیابی کرد. کمک‌های خارجی انواع مختلفی دارد که شامل کمک‌های مالی به شکل بلاعوض یا وام، کمک‌های نظامی شامل ارائه تسلیحات یا آموزش مستشاری، کمک‌های داوطلبانه و کمک‌های مادی در زمینه فن‌آوری، خدمات و ... است (صبغیان و فتحی پور، ۱۴۰۰: ۱۱۷-۱۱۶). کمک‌های خارجی، یک ابزار انعطاف‌پذیر سیاست خارجی، می‌تواند در موضوعات مختلف و از طرق مختلف مورد هدف قرار گیرد، اما منافع و ترجیحات اهداکنندگان بر روابط کمکی غالب است (Scott, 2020).

¹. Negotiation

². Foreign Assistance

نیروی مسلح^۱؛ نیروهای مسلح در واقع ابزار قدرتمندی برای پیشبرد منافع سیاست خارجی یک کشور است. نظام بین‌الملل، علی‌رغم شعارهای مبتنی بر ارزش‌ها و قواعد، همچنان بر سیاست قدرت و توازن نیرو استوار است. حتی زمانی که از قدرت واقعی نظامی استفاده نمی‌شود، برخورداری از یک ظرفیت نظامی مناسب به یک کشور مزیت بزرگی می‌دهد؛ زیرا دیگران به‌دنبال برآورده کردن خواسته‌های آن، تنظیم سیاست‌های خود بر این اساس و اجتناب از یک چالش جبهه‌ای در صورت تضاد منافع هستند (Shri Kanwal Sibal, 2018) نیروهای مسلح می‌توانند به اجتماعی شدن و قدرت اخلاقی کمک کنند و در عین حال امنیت شهروندان را تأمین کنند و به توسعه کشور کمک کنند (Chaparro, 2019).

تحریم‌های اقتصادی^۲؛ تحریم‌ها، اقدامات اقتصادی هستند که به منظور فشار یا مجازات بازیگران بد - اعم از افراد، گروه‌ها یا کشورها - که هنجارهای بین‌المللی را نقض می‌کنند یا منافع ملی را تهدید می‌کنند، انجام می‌شود. تحریم‌ها راهی را به دولت‌ها ارائه می‌کند تا دیگران را با هزینه یا خطر کمتر تحت فشار قرار دهند یا مجازات کنند. با این حال، آن‌ها می‌توانند باعث آسیب جانبی شوند و به ندرت در تغییر رفتار هدف خود موفق هستند. تحریم‌های اقتصادی از زمان جنگ جهانی دوم افزایش یافته‌اند و تکامل آن‌ها با نظم‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی مرتبط است و تحقیقات بین‌رشته‌ای می‌تواند درک ما از فرآیندهای تحریم‌ها را ارتقا دهد (Morgan et al., 2023).

سیاست تجاری^۳؛ کشورها از تجارت برای ایجاد رشد اقتصادی استفاده می‌کنند که منابع مورد نیاز جوامع را برای عملکرد فراهم می‌کند. با این حال، دولت‌ها همچنین می‌توانند از تجارت به‌عنوان یک ابزار مستقیم سیاست خارجی برای پیشبرد سایر منافع ملی استفاده کنند. مسائل مربوط به سیاست تجاری دیگر تنها دغدغه تعدادی از متخصصان و دانش‌گاہیان دولتی نیست. تولیدکنندگان، بازرگانان، مریبان و مقامات دولتی باید از قوانین و مقررات مربوط به تجارت، پیامدهای اقتصادی اقدامات مختلف تجاری، و روندهای فعلی در سیاست‌ها مطلع باشند، اما منابع منسجم کمی برای چنین اطلاعاتی وجود داشته است. سیاست تجاری در یک اقتصاد جهانی در حال تغییر مقدمه‌ای روشن برای مسائل پیچیده تجاری ارائه می‌دهد که موضوعات نظری سیاست تجاری، ماهیت متغیر سیاست تجاری از زمان جنگ جهانی دوم، مذاکرات تجاری چندجانبه و استراتژی‌های تجاری را پوشش می‌دهد (Baldwin, 1988).

1. Armed Force

2. Economic Sanctions

3. Trade Policy

بازدارندگی! بازدارندگی یک مفهوم استراتژیک است که هدف آن جلوگیری از اقدامات نامطلوب از طریق متقاعد کردن متجاوزان بالقوه مبنی بر این که هزینه های چنین اقداماتی بیشتر از منافع احتمالی است. این مفهوم در سیاست های امنیتی، به ویژه در دوران جنگ سرد، نقش محوری داشته و همچنان در حوزه های مختلف از جمله فضای سایبری و روابط بین الملل مرتبط است. در واقع بازدارندگی با کاربردهای بالقوه در نیروی متعارف، بازدارندگی سایبری و امکان بازدارندگی بازیگران غیردولتی مانند سازمان های تروریستی، نقش ارزشمندی در مدیریت صلح و امنیت بین المللی ایفا می نماید (Stone, 2012).

کنترل تسلیحات! قراردادهای کنترل تسلیحات زیرمجموعه ای تخصصی از دیپلماسی هستند که توسعه، آزمایش، تولید، استقرار یا استفاده از انواع خاصی از سلاح ها را محدود می کند. آنها می توانند از رقابت های تسلیحاتی پرهزینه و بی ثبات کننده جلوگیری کنند. کنترل تسلیحات به دلیل مشکل نظارت بر تسلیح یک دولت در حین حفظ امنیت امری نادر است. از این رو، در طول تاریخ شاهد تسلیح گسترده در جهان و هزینه های انسانی بسیار بوده ایم (Coe, 2019). کنترل تسلیحات به دلیل عدم قطعیت و هنجارهای شکننده با چالش هایی مواجه است؛ زیرا تغییرات فن آورانه انتظارات جدیدی را ایجاد می کند و ثبات هنجارهای بین المللی را به چالش می کشد (Istomin & Crowley, 2023).

حفظ صلح! جهان فاقد یک نیروی پلیس جهانی است که بتواند خشونت را در مسیر خود متوقف کند. با این حال، دارای نیروهای حافظ صلح سازمان ملل است که می توانند به کاهش درگیری ها و جلوگیری از تکرار آنها کمک کنند. ماموریت های حافظ صلح بسته به مقیاس و دامنه درگیری با محدودیت هایی روبرو هستند. بسیاری از محققان معتقدند که حفظ صلح سازمان ملل متحد وارد دوره گذار شده است، اما در مورد ماهیت این گذار اتفاق نظر کمی وجود دارد. حفظ صلح آخرین نمونه از «مدیریت تضاد جمعی»^۴ است که در گذشته شکل های مختلفی به خود گرفته است و احتمالاً در آینده نیز به همین ترتیب خواهد بود (Paris, 2023).

اقدام پنهان!^۵ اقدام مخفی مستلزم اتخاذ تدابیر محرمانه با هدف تأثیرگذاری بر شرایط سیاسی، اقتصادی یا نظامی در خارج از کشور است که می تواند شامل اقدامات سیاسی یا اقتصادی، کارزارهای

1. Deterrence

2. Arms Control

3. Peacekeeping

4. 'collective conflict management' (CCM)

5. Intelligence: Covert Action

تبلیغاتی، یا تأمین مالی و آموزش گروه‌های شبه نظامی باشد. اقدام مخفیانه به یک کشور اجازه می‌دهد تا نگرانی‌های امنیتی ملی را در جایی که سایر ابزارها بسیار خطرناک هستند، برطرف کند، اما در صورت کشف، می‌تواند خطر تلافی‌جویی یا جنجال عمومی را به همراه داشته باشد اقدام پنهان می‌تواند سیاست خارجی را تقویت کند، اما بسیار بحث برانگیز، مخاطره آمیز و همراه با مزایای بالقوه کوتاه مدت اما خصومت بلندمدت و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی است (Şener,2022).

قدرت نرم: روش‌های قدرت نرم در سیاست و اقتصاد شامل دستیابی به نتایج مطلوب از طریق مشارکت داوطلبانه، هم‌دردی و جذابیت در مقابل اجبار است (Chernykh,2023). مفهوم «قدرت نرم» با رقابت دولت‌ها در سطح جهانی در زمینه رشد اقتصادی، توسعه فن‌آوری نظامی، و تأثیر ارزشی-فرهنگی، در حال تحول است که مستلزم درک جدیدی از هویت ملی و زمینه‌های غیرمادی است (Emel'yanova,2018). قدرت نرم یک کلیدواژه همیشگی در بحث‌های سیاسی است. قدرت نرم یکی از چندین شکل از ابزارهای فرهنگی- نمادین قدرت است که می‌تواند مکمل یا جایگزین منابع مادی باشد (Henne,2022).

تبلیغات: یکی از جنبه‌های منحصر به فرد روابط سیاسی جدید، تلاش سنجیده‌ای است که حکومت‌ها از طریق دیپلمات‌ها و مأموران تبلیغ خود برای تأثیرگذاری بر ایستارها و رفتار مردمان بیگانه یا گروه‌های خاص قومی، طبقاتی، مذهبی، اقتصادی یا زبانی آن مردمان به‌عمل می‌آورند. مأموران به این امید تبلیغ می‌کنند که این گروه‌های خارجی یا عموم مردم به نوبه خود بر ایستارها و اعمال حکومت‌هایشان تأثیر بگذارند (هالستی، ۱۳۸۰: ۳۳۲). در خصوص اهمیت تبلیغات باید اشاره نمود که در طول دو جنگ جهانی به‌عنوان یک سلاح واقعی و ابزار سیاست دولت در روابط بین‌الملل توسعه یافت و تکنیک‌های مدیریت اخبار را به کمال رساند و افکار عمومی را به نفع تصمیمات دولت شکل داد (Marsili,2015).

دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزار نوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در دنیای امروز، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌گردد (حاجی زاده، ۱۳۹۹: ۲۱۰). مواجهه با چالش‌های امروز که پیچیدگی و تنوع گسترده از شاخص‌های بارز آن‌ها به‌شمار می‌رود، نیازمند به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزار نوینی است که شاید تا پیش از این چندان مرسوم نبوده است. کشورها در جهانی آنارشیک اما درعین حال به‌هم پیوسته و تعاملی به سر می‌برند که برای مدیریت بحران‌ها و تهدیدهای متعدد و روزافزونی

که با آن دست به گریبان هستند، نیازمند همکاری‌های امنیتی و نظامی با یکدیگراند. ابزارهای سنتی قدرت سخت برای مواجهه با مطالبات سیاست خارجی در قرن بیست و یکم کافی نیستند و قدرت نرم به‌عنوان جزء حیاتی سیاست خارجی مجدداً در حال ظهور است. در واقع چالش اصلی، ادغام قدرت سخت و نرم در قالب قدرت هوشمند برای دست یابی به اهداف سیاست خارجی است (آسمانی، ۱۴۰۰: ۱۲۱). برخی از محققان دیپلماسی دفاعی را به‌عنوان یک سیستم در حال تکامل تعریف می‌کنند که تحت تأثیر شرایطی که در آن اعمال می‌شود، تغییر می‌کند و به دلیل ارتباط روزافزون آن به‌عنوان یک منبع مهم برای حاکمیت عمومی به سرعت در حال توسعه است. طراحی یک مدل جهانی برای به‌کارگیری فعالیت‌های دیپلماسی دفاعی به دلیل ویژگی‌های خاص هر کشور چون سطح قدرت ملی، اولویت‌ها و دستورالعمل‌های سیاست دفاعی، ترکیب و ساختار نیروهای مسلح، مشارکت جمعی، سیستم‌های امنیتی و ائتلاف‌های نظامی-سیاسی و وضعیت روابط با کشورهای همسایه دشوار است (Muniruzzaman, 2020). دیپلماسی دفاعی، مفهوم و عملی است که حکایت از درک نفوذ و کارایی ارتش (نیروی نظامی) و فعالیت‌های نظامی فراسوی کارویژه اصلی آن یعنی جنگ و دفاع و همچنین درک پیوند الزامی بین نیروی نظامی و دیگر عناصر قدرت ملی دارد. البته پیوند بین فعالیت‌های نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی، اطلاعاتی و دیگر عناصر قدرت ملی از ابتدا مورد اذعان نظریه پردازان و دست‌اندرکاران امور نظامی و سیاسی بوده است. به‌عنوان مثال، سان تزو نظریه‌پرداز نظامی چینی، موضوع پیوند متقابل اقدام نظامی را نه تنها با دیپلماسی، بلکه با اقتصاد و اطلاعات را مورد بحث قرار می‌دهد، همان‌طور که می‌گوید:

«رهبر ماهر کسی است که از تمام ابزارهای در اختیارش برای شکل‌دهی به محیط در جهت احتراز از جنگ به‌طور کلی یا تضمین پیروزی در صورت ضروری شدن جنگ استفاده کند» (مینایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز همانند هر کشوری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی خود، سطحی از اقدام‌های پدافندی را در قبال تهدیدهای دشمنان به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار می‌دهد. بر همین اساس، ایران نیز از طریق دیپلماسی دفاعی با بهره‌گیری از توان دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی جهت مقابله با تهدیدهای منطقه همواره تلاش‌های وافر داشته است، به‌طوری که راهبرد دیپلماسی دفاعی آن مبتنی بر موازنه‌گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد و تنش‌زدایی و همکاری بوده و بر اساس رویکرد و گفتمان حاکم بر آن، در جهت مقابله با تهدیدهای

پیرامون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و خنثی‌سازی آن‌ها بر اساس یک رویکرد ترکیبی تدافعی - تعاملی همه جانبه است، به نحوی که خصلت‌های این نوع دیپلماسی؛ فعال بودن، ایجاد درک متقابل از اهداف، خواسته‌ها، داشته‌ها و تقویت اراده جمعی در حل منازعات و کاهش تهدیدها و حرکت به سوی یک جهان آرام و امن است. در حقیقت، مهم‌ترین اصل حاکم در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه در اندیشه رهبر انقلاب، اصالت صلح می‌باشد و دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای اندیشه دفاعی ایشان دارای مختصات و اصولی همچون: نفی سلطه‌گری، سلطه‌پذیری، مقابله با امپریالیسم جهانی، دفاع از کیان اسلام و مسلمانان با تأکید بر وحدت جهان اسلام، اصل حمایت از مظلومان جهان، خودباوری ملی، خود اتکایی و دفاع هوشمندانه در برابر تهدیدهای جدید است (صبوری، ۱۴۰۲: ۲۱۲-۲۱۱). با توجه به تجربه نزدیک به نیم قرن از انقلاب اسلامی و به‌خصوص تجربه‌های جنگ تحمیلی (دوران دفاع مقدس) و تحریم‌های بین‌المللی نظام سلطه به رهبری ایالات متحده آمریکا و در گام دوم از انقلاب اسلامی، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری مؤثر در پیشبرد اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در راستای اعتمادسازی، تنش‌زدایی، امنیت‌سازی و تولید قدرت محسوب می‌شود که در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و خنثی‌سازی آن‌ها، به بومی‌سازی و راهبرد بازدارندگی بر اساس اهدافی همچون فراهم کردن زمینه تأمین فن‌آوری تجهیزات یا تسلیحات دفاعی، گسترش همکاری‌های دفاعی - نظامی با کشورها، توسعه تعاملات با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، خلع سلاحی و کنترل تسلیحاتی، اعتمادسازی در حوزه‌های نظامی و مبارزه با تروریسم روی آورده است (مطلبی، ۱۴۰۰: ۹۵). سفرهای هیات‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران به کشورهایی چون روسیه، پاکستان، ترکیه، چین و سوریه و میزبانی از هیات‌های عالی‌رتبه نظامی از کشورهایی چون پاکستان، بولیوی، ترکیه، افغانستان، عراق و روسیه، که برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام می‌شد، می‌توان از جمله مصادیق دیپلماسی فعال ستادکل نیروهای مسلح در دور جدید برشمرد. در کنار ستادکل نیروهای مسلح، وزارت دفاع نیز که به نوعی بخشی از نیروهای مسلح کشور شناخته می‌شود و وظیفه پشتیبانی آن‌ها را برعهده دارد، چند سالی است که دیپلماسی دفاعی را در دستور کار خود قرار داده است. علاوه بر فعالیت ستادکل نیروهای مسلح و وزارت دفاع در زمینه دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ستادهای برتر نیروهای مسلح، نیروها و ارگان‌های نظامی کشور نیز در سال‌های گذشته فعالیت‌های چشم‌گیری را در این حوزه داشته‌اند که از جمله آن می‌توان به اجلاس کشورهای حاشیه اقیانوس هند^۱ اشاره کرد (mehrnews.com).

^۱. Indian Ocean Naval Symposium

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی به‌عنوان ایجاد کننده رابطه با سایر دولت‌ها همواره از ابزارها و شیوه‌های خاصی در طول تاریخ جهت کسب منافع حداکثری و حفظ امنیت برخوردار بوده است. امروزه دیپلماسی در تعریف موسع فقط در رابطه با وزارت خارجه و دیپلمات‌ها تعریف نمی‌گردد و شامل سایر وزارت‌خانه‌ها و نهادها و یا افراد نیز می‌گردد. یکی از وزارت‌خانه‌های دخیل در این امر وزارت دفاع کشورها و یا نیروهای مسلح کشورها می‌باشند. حضور افراد نظامی در عرصه دیپلماسی و یا دیپلمات‌ها در عرصه سیاست‌گذاری نظامی در گذشته امری نادر و کم سابقه بود، به‌طوری که همواره جنگ را پایان کار دیپلمات‌ها و دیپلماسی تعریف می‌کردند و حضور نظامیان تا قبل از جنگ توجیهی نداشت. اما امروزه پس از تحولات بین‌المللی رخ داده در جهان از جمله بحث‌های کنترل تسلیحات و خلع سلاح و پیدایش مفهوم قدرت نرم این آمیختگی بین عرصه دیپلماسی و نظامی روز به روز بیشتر و پر رنگ‌تر گردیده است.

بنابراین، مفهوم دیپلماسی دفاعی نقطه‌ای است که دو حوزه نظامی و سیاسی کشور را به یکدیگر پیوند می‌زند و هدف آن، ایجاد امنیت و کاهش تهدیدها با استفاده از قدرت سخت و نرم می‌باشد. کشورهای مختلف بر حسب تهدیدها و مبانی اعتقادی و اندیشه‌ای، دیپلماسی دفاعی خود را تعریف می‌نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست و در دیپلماسی دفاعی خود از اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری منبعث از تعالیم اسلامی با توجه به تهددات منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده نموده است که منجر به دیپلماسی دفاعی خاص جمهوری اسلامی ایران گردیده است. تعامل و نوع کاربرد دیپلماسی دفاعی در عرصه سیاست خارجی که محصول تحولات دهه‌های اخیر است، نشان دهنده این امر است که امروزه دیپلماسی دفاعی نه به‌عنوان جایگزین و یا رقیب دیپلماسی رسمی کشور بلکه به‌عنوان یک ابزار نوین در خدمت سیاست‌مداران و دولت‌مردان جهان جهت نیل به اهداف کلان ملی در عرصه سیاست خارجی عمل می‌نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به موقعیت استراتژیک خود در منطقه خاورمیانه و نیز تحولات و چالش‌های پس از انقلاب اسلامی همچون جنگ ۸ ساله و نیز تحریم‌های گسترده از جانب قدرت‌های بزرگ، نیازمند استفاده از این ابزار نوین جهت رفع تهدیدها و کسب منافع حداکثری خود می‌باشد. بررسی دقیق این امر نشان می‌دهد که در طول دو دهه گذشته، این ابزار در دستگاه سیاست خارجی و امنیتی کشور مورد عنایت مقامات عالی‌رتبه و میانی بوده است. اگرچه نیازمند سازماندهی و تقسیم وظایف مشخص‌تر بین ارگان‌های نظامی و دیپلماسی کشور است.

منابع و مآخذ

فارسی:

- آسمانی، حدیث (۱۴۰۰)، "دیپلماسی نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا"، *دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، دوره ۵، شماره ۹، بهار و تابستان.
- آسمانی، حدیث و سید محمد طباطبایی، (۱۳۹۸)، "دیپلماسی نظامی؛ راهبرد نوین دولت‌ها در پیگیری اهداف سیاست خارجی"، *فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- احدی، محمد، (۱۴۰۲)، "دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران - اصول و اهداف"، *فصلنامه مطالعات دفاعی و استراتژیک*، سال بیست و یکم، شماره ۹۲.
- انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۹)، "دیپلماسی دفاعی اروپا"، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره ۳۱.
- پیر محمدی، سعید، (۱۳۹۵)، "شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران"، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیست و چهارم، شماره ۹۵.
- تاج آبادی، حسین و بهزاد مرادیان (۱۳۹۳)، "دیپلماسی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در برابر دیپلماسی اجبار ایالات متحده آمریکا"، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال چهارم، شماره یازدهم.
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۸)، "نقش دیپلماسی دفاعی در امنیت پایدار مبتنی بر دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)"، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال هفتم، شماره ۷۸.
- حاجی زاده، سیروس (۱۳۹۹)، "الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در راستای امنیت‌زایی و عمق بخشی انقلاب اسلامی"، *نشریه علمی آفاق امنیت*، سال سیزدهم، شماره چهل و هشتم.
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۷)، «مروری بر ۶۰ اقدام دیپلماسی دفاعی/عدم توجه به صادرات محصولات نظامی»، ۹ آبان. در: <https://www.mehrnews.com/>
- دهنوی، مهدی و خالقی نژاد، مریم (۱۳۹۵)، "ارتقای اقتدار دولت در پرتو شناخت و به‌کارگیری دیپلماسی دفاعی در بستر اندرکنش نرم‌افزاری قدرت و امنیت"، *مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*، در: <https://www.sid.ir/paper/866256/fa#downloadbottom>
- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، "دیپلماسی دفاعی: تاملی شناختی و کاوش در مبادی"، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره ۳۱.
- صباغیان، علی و فتحی پور، مسعود (۱۴۰۰)، "انگیزه‌ها و اهداف کمک‌های خارجی آمریکا؛ مطالعه موردی پاکستان"، *فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
- صبوری، ضیاء‌الدین، منوری، مهدی و نظریان، ابودر (۱۴۰۲)، "چالش‌های پیش روی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان"، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره سیزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۴۹.
- علی دوستی شهرکی، قاسم و رحمتی پور، لیلیا (۱۳۹۷)، "رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی (رهیافت نظری و سازوکار سیاست‌گذاری)"، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۲.

غلامی، سعید، (۱۳۹۸). "دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر فن‌آوری موشکی)"، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۷.

محمدی گودرزی، محمدرضا، عبدالله مرادی، فریدی، سعید و طالب پور، فریدون (۱۴۰۲)، "راهبرد جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی"، *نشریه علمی سیاست دفاعی*، دوره ۳۲، شماره ۱۲۳.

مطلبی، مسعود، (۱۴۰۰)، "دیپلماسی دفاعی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛ اهداف، راهبردها و الزامات"، *فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس*، دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶.

مینائی، حسین، ابراهیم حاجیانی و فروزنده جعفرزاده پور (۱۳۹۶)، "ارزیابی راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت موجود"، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و ششم، شماره ۸.

ولی‌وند زمانی، حسین، غفاری، بهزاد، ریوندی، رضا و حاجی‌زاده، محمد علی (۱۴۰۰) "مبانی و عوامل مؤثر در تدوین رهنامه نظامی جمهوری اسلامی ایران" *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال نوزدهم، شماره ۸۵.

هالستی، کی. جی. (۱۳۸۰)، "مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل" مترجم، بهرام مستقیم‌مسعود طارمی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.

انگلیسی:

- Adinda, R., Barkah, C., & Novel, N. (2022). "Importance of Communication Process in Negotiation". *Jurnal Ekonomi, Bisnis & Entrepreneurship*.
<https://doi.org/10.55208/jebe.v16i2.260>.
- Ahmed, J. (2020). "The Theoretical Significance of Foreign Policy in International Relations- An Analyses". *Journal of critical reviews*.
<https://doi.org/10.31838/jcr.07.02.144>.
- Baldwin, R. (1988). "Trade Policy in a Changing World Economy". *Southern Economic Journal*, Vol. 56, No. 4, Apr. . <https://doi.org/10.2307/1059915>.
- Chaparro, F. (2019). "Las Fuerzas Militares como instrumento de socialización del Estado". *Revista Científica General José María Córdova*, 17(28), 939–970.
<https://doi.org/10.21830/19006586.517>
- Chernykh S. (2023). "Soft Power Methods In Politics And Economics". *Obshchestvo i ekonomika*. no. 1, pp.27-36 DOI: 10.31857/S020736760023987-4.
- Cheyre, Juan Emilio (2013), "Defence Diplomacy", in Andrew Cooper, Jorge Heine, and Ramesh Thakur (eds), *The Oxford Handbook of Modern Diplomacy* Oxford Academic, 1 Aug. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199588862.013.0021>.
- Coe, A., & Vaynman, J. (2019). "Why Arms Control Is So Rare". *American Political Science Review*, 114, 342 - 355. <https://doi.org/10.1017/S000305541900073X>.
- Drab, Lech (2018), "Defence Diplomacy: An Important Tool for the Implementation of Foreign Policy and Security of the State", *Security and Defence Quarterly* 2018;20(3).
- Inayaturrehman, R., Barkah, C., & Novel, N. (2022), "Analysis the Role of Negotiation as Communication Skills in Conflict Management". *JBTI : Jurnal Bisnis : Teori dan Implementasi*. <https://doi.org/10.18196/jbti.v13i3.14888>

- Emel'yanova, N. (2018), "Soft power" as a Concept: A Critical Analysis. *Journal of International Analytics*, (3): pp.7-24. <https://doi.org/10.46272/2587-8476-2018-03-7-24>
- Henne, P. (2022), "What We Talk About When We Talk About Soft Power". *International Studies Perspectives*. Volume 23, Issue 1, February, Pages 94–111, <https://doi.org/10.1093/isp/ekab007>
- Istomin, I., & Crowley-Vigneau, A. (2023), "International Norms in the Face of Technological Change: Challenges for Constructivist Theory of Arms Control Polis". *Political Studies*. No. 4. <https://doi.org/10.17976/jpps/2023.04.02>. EDN: UAPADM
- Li Eric, (2018), "The Rise and Fall of Soft Power", *Foreign Policy*, August 20, 2018.
- Leira, H. (2019), "The Emergence of Foreign Policy". *International Studies Quarterly*, Volume 63, Issue 1, March 2019, pp.187–198, <https://doi.org/10.1093/isq/sqy049>.
- Marsili, M. M. (2015). "Propaganda and International Relations: An Outlook in Wartime". *Artciencia.Com, Revista De Arte, Ciência E Comunicação*, (19). <https://doi.org/10.25770/artc.11095>
- Morgan, T., Syropoulos, C., & Yotov, Y. (2023), "Economic Sanctions: Evolution, Consequences, and Challenges". *Journal of Economic Perspectives*. VOL. 37, NO1.
- Muniruzzaman A. N. M. (2020), "Defence Diplomacy: a Powerful Tool of Statecraft", *CLAWS Journal*, vol. 13, no. 2, 2020, pp. 63-80. Retrieved from <https://www.neliti.com/publications/330720/defence-diplomacy-a-powerful-tool-ofstatecraft>,
- Nye, Joseph S. (2014), "The Information Revolution and Soft Power". *Current History* 113(759):19-22.<http://nrs.harvard.edu/urn3:HUL.InstRepos:11738398>
- Pajtinka, E. (2016), "Military Diplomacy and Its Present Functions: Security Dimensions", *International & National Studies*. No. 20, 2016 (179–194).
- Paris, R. (2023), "The Past, Present, and Uncertain Future of Collective Conflict Management: Peacekeeping and Beyond". *Journal of Intervention and Statebuilding*, 17(3), 235–257. <https://doi.org/10.1080/17502977.2023.2170546>
- Scott, J. (2020). "Foreign Aid and Assistance". *Oxford Bibliographies*. At: <https://doi.org/10.1093/obo/9780199743292-0282>
- Şener, Halil (2022), "Covert Action: Perils and Advantages". *International Journal of Politics and Security (IJPS)*, Vol. 4, No. 2, 2022, pp. 1-12.
- Sibal, Shri Kanwal. (2018), "The Role Of Military Diplomacy In India's Foreign Policy", *World Affairs: The Journal of International*, Issues Vol. 23, No. 1.
- Stone, J. (2012), "The Future of Deterrence: Introduction", *Contemporary Security Policy*, 33, 82 - 84. <https://doi.org/10.1080/13523260.2012.659587>.
- Winger, G. (2014), "The Velvet Gauntlet: A Theory of Defense Diplomacy", *IWM Junior Visiting Fellows' Conference Proceedings*, Vol. XXXIII; retrieved from <https://www.iwm.at/publications/5-junior-visiting-fellows-conferences/vol-xxxiii/thevelvet-gauntlet>.